



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه/بانکداری/ریا

بچثمان درباره ربا بود که یکی از محرمات بسیار شدید قران و روایات و فقه ما می باشد، کتابی بنده در باب ربا نوشته ام که مطالب مربوط به ربا به طور مختصر در آن ذکر شده و یکی از مطالب مهم همین شدت حرمت ربا در قران و روایات می باشد و دیروز گفتیم که در هفت جای قران کریم خداوند متعال ربا را با شدت نمی کرده که تمامی اینها دلیل بر این هستند که ربا گناه بسیار بزرگی است و بنده نیز نوشته ام که در چند روایت داریم که ربا از گناهان کبیره می باشد و حتی تعبیر اکبر الکبائر در مورد ربا بکار رفته است.

یک مطلب مهمی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که فقهاء ما نوعاً به روایاتی که از نظر خودشان دال بر استحباب هستند اهمیت نداده اند و آنها را به فقه نیاورده اند مثلاً در روایاتی داریم مسلمان نسبت به مسلمان دیگر ۶ حق و یا ۴۰ حق و یا ۸۰ حق دارد که خب اینها به رساله ها آورده نشده و برای مردم بیان نشده به بیان دیگر آنچه که در قران و روایات است به فقه ما نیامده و آنچه در فقه آمده میان مردم نیامده و مردم فقط در رساله ها می بینند که احکام از صلاة و طهارت شروع می شود و به خمس و زکات ختم می شود درحالی که اسلام در تمام ابعاد مختلف زندگی انسان ها حرف دارد بنابراین می توان گفت که ما در بیان این مسائل و مطالبی که در قران و احادیث ذکر شده قصور و تقصیر داریم علی ای حال اگر به این

مسائل توجه شود یک تحول بزرگ و اساسی در فقه ما بوجود خواهد آمد و امام رضوان الله علیه می فرمودند مجتهد کسی است که در درجه اول به اوضاع زمان آگاهی کامل داشته باشد.

همان طور که عرض کردیم از ربا در قران و روایات به شدت نمی شده است، حضرت امیر علیه السلام فرموده هر وقت خداوند عالم بر اساس عمل مردم هلاکت یک جامعه ای را اراده کند در میان آنها ربا شایع می شود یا در حدیث دیگر فرموده اول فقه و مسئله یاد بگیرید بعد به سراغ تجارت و کسب و کار بروید زیرا ربا بسیار مخفی است مانند مورچه سیاه رنگی که در شب تاریک روی سنگ سیاهی حرکت کند.

در مورد بانکها و فعالیتهایشان نامه های بسیاری از طرف مردم برای ما ارسال می شود که مثلاً وامهایی داده شده و بعد سوده های دیرکرد بسیاری به علت تأخیر در پرداخت اقساط در موعد مقرر توسط بانک دریافت شده، یکی از چیزهایی که ربا و حرام است و ما بارها بیان کرده ایم همین سود دیرکرد می باشد که حتی صاحب جواهر فرموده اجماع فقهاء بر این است که تأخیر در اداء دین باعث اضافه شدن دین نمی شود ولی بانکها همین تأخیر در اداء دین را به عنوان دیرکرد بر مبلغ اصلی اضافه و دریافت می کنند.

خب و اما باید ببینیم اسلام با این فرهنگ و آموزه های قوی برای این مسئله بانکداری و ربا و مسائل مربوط به آن چه گفته است.

در سفینة البحار در ماده "تسع" یک حدیثی از حضرت امیر علیه السلام نقل شده، خبر این است: ﴿ الخصال : عن عامر الشعبي قال : تكلم أمير المؤمنين عليه السلام بتسع كلمات ارتجلهن ارتجالاً

اشتغال ایجاد کند و وسائل و لوازم کار کردن را فراهم کند.

در بحار روایتی داریم که شخصی وضع مالی نامناسبی داشت، خانواده او گفتند نزد پیغمبر برو تا قدری به ما کمک کند بلکه وضعیتمان بهتر بشود، وقتی خدمت پیغمبر رسید حضرت به او فرمود: "من سألنا أعطیناه ومن استغنی أغناه الله"، آن شخص برگشت و به همسرش گفت رفتم و پیغمبر به من اینطور گفت، زنش گفت این برای ما نان و آب نمی شود دوباره نزد پیغمبر برو، روز دوم مجدداً نزد پیغمبر رفت و باز حضرت همان جمله را فرمود و تا سه روز همین جریان اتفاق افتاد تا اینکه روز سوم خودش رفت ریسمان و تبری تهیه کرد و به بیابان رفت و چوب جمع کرد و آورد و فروخت و خرجی آن روزش را درآورد و فردا بیشتر آورد تا اینکه کم کم وضع مالیش خوب شد و بسیار ثروتمند شد، روزی سوار بر شتر بود و درحالی که پیغمبر خدا پیاده بود با ایشان مواجه شد، وقتی حضرت را دید پیاده شد و آمد دست حضرت را بوسید و گفت یا رسول الله من همان شخصی هستم که سه روز آمدم نزد شما و به من فرمودید: "من سألنا أعطیناه ومن استغنی أغناه الله" و من رفتم و کار کردم و به این مقام و جایگاه از نظر مادی و ثروت رسیدم، خب اسلام برای کار و ایجاد کار اهمیت بسیاری قائل است و روایات فراوانی نیز در این رابطه وجود دارد که فقهاء ما حمل بر استحباب کرده اند و برای مردم بیان نکرده اند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

فقان عیون البلاغة، و أیتمن جواهر الحكمة، و قطعن جمیع الأنام عن اللحاق بواحدة منهن، ثلاث منها في المناجاة، و ثلاث منها في الحكمة، و ثلاث منها في الأدب، فأما اللاتي في المناجاة فقال: الهي كفی بي عزّا أن أكون لك عبداً، و كفی بي فخرا أن تكون لي ربّا، أنت كما أحبّ فاجعلني كما تحبّ.

و اما اللاتي في الحكمة فقال: "قيمة كل امرء ما يحسنه"، و "ما هلك امرؤ عرف قدره" و "المرء مخبوء تحت لسانه".

و اللاتي في الأدب فقال: امن علی من شئت تكن أميره، و استغن عمّن شئت تكن نظيره، و احتج الی من شئت تكن أسيره<sup>۱</sup>.

نباید اقتصاد اسلامی طوری باشد که مردم محتاج بشوند. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه نیز اینطور فرموده: "الْمَنِيَّةُ وَالْأَمْنِيَّةُ وَالْدِّيْنِيَّةُ وَالْتَّقَلُّ وَالْأَتْوَسُّلُ" یعنی مرگ آری اما پستی و خواری هرگز، به اندک ساختن آری اما دست سوی این و آن دراز کردن هرگز، خلاصه اسلام می خواهد که مردم اقتصاد کاملی داشته باشند.

در اول جلد ۱۲ وسائل الشیعة ۲۰ جلدی ۱۰ الی ۱۵ باب درباره کار منعقد شده خب اینها برای مردم بیان نشده و باید به مردم گفته شود.

مطلب دیگر اینکه وقتی افرادی خدمت پیغمبر صلوات الله علیه و آله می رسیدند و اظهار فقر می کردند حضرت به آنها ریسمان و تبر می داد تا بروند و کار کنند و کسب درآمد کنند و حالا نیز باید همینطور باشد یعنی کسی که مدیر جامعه است باید برای مردم کار و

<sup>۱</sup> سفینه البحار، محدث قمی، ج ۱، ص ۴۶۰.